

عوالم سه گانه وجود از نظر آیات قرآنی

آیات و روایاتی که دلالت بر اصول سه گانه عوالم، تجرد، مثال، ماده می کند و با دقت و تدبیر می شود از آنها این اصول سه گانه را در بدو وجود و در قوس نزولی استفاده کرد.



خبرگزاری مهر- آیات و روایاتی که دلالت بر اصول سه گانه عوالم، تجرد، مثال، ماده می کند و با دقت و تدبیر می شود از آنها این اصول سه گانه را در بدو وجود و در قوس نزولی استفاده کرد.

عوالم سه گانه

بین عالم ماده و بین اسماء الهی دو عامل تجرد و مثال وجود دارد. ذات عینی حضرت حق در مقام تجلیات آسمانی، مبدا و وجودها و هستی ها است و عوالم وجود و هستی با نظم و ترتیب خاص از ذات حق که درظاهر اسماء متجلی است سرچشمه می گیرد و عوالم وجود هستی از آثار و جلوات اسماء الهی که ظهورات ذات غیبی اند، بود.

اولین عالم، عالم تجرد و جبروت که عالم بالا نزدیکتر به مبدا متعال و موجودات آن از مراتب وجودی بالاتر برخوردارند. عالمی که خود دارای عوالم است که بعضی برتر به جای خود از بعض و بعضی مرتبت بر بعض نشأت گرفته از آن.

عالم بعدی عالم مثال و برزخ و یا ملکوت است که مرتبت بر عالم اول و متاخر از آن است که خود دارای عوالم و بعضی برتر از بعضی مرتبت بر بعضی دیگر نشأت گرفته از آن.

عالم آخر، عالم جسم و جسمیات و یا نظام مادی است که عالم شهادت نامیده می شود و آخرین عالم از عوالم وجود هستی است و نشأت گرفته از عالم مثال و مرتبت بر آن است.

و به طوری که عالم اول نزدیک عالم به مبدا وجود بود، از سعه وجودی برخوردار باشد. عالم مادی هم دورترین عالم از مبدا متعال بود و از وجود ضعیف تری برخوردار است.

هر اندازه که وجود هستی و یا وجود به مبدا وجود که وجود محض و غیر محض و کمال محض است نزدیک تر باشد و فاصله کمتر داشته و یا فاصله ای نداشته باشد یعنی واسطه ها که عدل و اسباب است بین موجود و مبدا وجود کمتر باشد یا اصلاً نباشد از وجود و کمالات و جودی بالاتر و کامل تر و شدیدتری برخوردار بوده و بالعکس .

عوالم سه گانه وجود از نظر آیات قرآنی

آیات و روایاتی که دلالت بر اصول سه گانه عوالم، تجرد، مثال، ماده می کند و با دقت و تدبیر می شود از آنها این اصول سه گانه را در بدو وجود و در قوس نزولی استفاده کرد.

اینکه این عالم و یا عوالم مقداری تنزل یافته و موجودات مقداری، تنها عالم ماده و موجودات مادی را شامل می شود و یا علاوه بر آن به عالم مثال و موجوداتی مثالی هم که دارای حدود و مقادیر است.

از سوره (حجر 21) وجود خزائن و یا عوالمی که بالاتر از حدود و اندازه ها و مقادیر بود و منشا و اصول موجودات مقداری پایین تر است و نزد حق و نزدیک به او است.

تجرد این خزائن و عوالم بالاتر، از ماده و آثار و لوازم ماده و مجرد بودن آنها مسئله ای است که از منزه بودن آنها از حدود و مقادیر استفاده می شود. زیرا نبود حدود و مقادیر به معنی کیست و ارسال است که با داشتن ماده نمی سازد.

آیات و روایات که بر وجود اصول سه گانه عوالم می توان استفاده کرد:

الف: آیاتی که در موارد متعدد قرآن و سیاق های مختلف و متنوع در خصوص (ام الکتاب) (کتاب حفیظ) آمده است و دلالت بر عوالم و نظام های بالاتر وجود که مقدم بر عالم مادی است.

ب: آیات و روایاتی که در خصوص عرش است.

ج: آیه اول سوره القلم ونحو سطر کتابت وجزئیات دیگر وارد شده است.

د: آیه میثاق و روایاتی که در تفسیر وتبیین آیه میثاق از معصومین(ع) وارد شده است.

ه: آیات و روایات مربوط به جنت آدم(ع) و هبوط به عالم دنیا که دال به وجود عالم متوسط منطبق به مثال است.

عالم ذر

یکی از مباحثی که در ذهن های جستجوگری آن را دنبال می کند، فلسفه عالم ذر است و بلافاصله با این سوال روبرو می شود که به فلسفه عالم ذر چه بود؟

پاسخ آن است که فلسفه عالم ذر که از آن به مقطع آغازین دنیای انسان یاد می کنیم همان فلسفه کنونی دنیاست.

عالم ذر که از عالم کنونی دو مقطع از دنیا هستند که هر کدام بخشی از تاریخ زندگی انسان را تشکیل می دهند فلسفه دیگر آن، اتمام حجت و تجلی ربوبیت پروردگار، نبوت انبیاء و ولایت جانشینان آنها به ویژه امیرالمومنین است.

خداوند فلسفه عالم ذر و اتمام حجت در آن عالم را این گونه بیان کرده است:

171#&به یادآور که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و ایشان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما هستم؟ گفتند: آری گواهی می دهیم که مبادا روز قیامت بگوئید ما از این (پیمان) غافل بودیم یا بگوئید پدران ما پیش از ما مشرک شدند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم»(سوره اعراف 172-4).

بنابراین آیه فلسفه عالم ذر گرفتن بهانه از دست انسان ها بود، خداوند این پیمان را گرفت تا کسی در قیامت نتواند بگوید از ربوبیت خدای یکتا غافل بودم یا بخاطر شرک پدران خود مجبور به پذیرش شرک گردیدم.

عالم ذر مثل عوالم دیگر دارای ویژگی هایی است مثلاً زمان عالم به ذر که بدون شک زمان تحقق عالم میثاق قرین خلقت آدم(ع) بوده است. زیرا از روایات استفاده می شود که خداوند همه انسان ها را از خاک آفرید و از آنها پیمان گرفت. و آدم(ع) هم یکی از آنها بود که پیمان سپرد و آنها پا به عرصه آفرینش خود در نشأت فعلی گذارد.

امام صادق به معنی می فرماید:

ای معلی! نوروز همان روزی است که خداوند از بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و به او شرک نوزند و با تعالیم رسولان و حجت ها و اولیاء او دینداری کنند.

همان گونه که در روایات فراوانی آمده است. روز جمعه و روز اول فروردین که نوروز خوانده می شود از اهمیت برخوردارند. واقعه پیمان گیری خدای تعالی و امور جایی در آن در روز جمعه انجام گرفته که نوروز بوده است و انتخاب چنین روزی از عنایات خدای مهربان و مصالح الهی او نشأت گرفته است.

درباره مکان عالم ذر ابن عباس می گوید: «#وقتی آدم از اعمال مجرد خود فارغ شد و در ورای پنهان که پشت کوه عرفات است خوابید خدای تعالی همه ذریه او را روز و قیامت از پشت او بیرون آورد و آدم آنها را مشاهده کرد.»

اما مکانی که روایات به آن اشاره دارند، مکه و در کنار حجره الاسود است. از روایات مربوط به عالم ذر استفاده می شود که مدت زمان این عالم کوتاه بود. اما اینکه کوتاه بودن آن با هم انسان ها احساس کرده باشند معلوم نیست. زیرا ممکن است کوتاهی زمان آن نسبت به نظر کوتاهی عمر آنها نسبت به عمر برزخی آنان باشد که پس از زمان قابل توجهی که در دنیا زندگی می کنند پس مرگ آن را یک یا نصف روز بیشتر ندانند. مدت زمان عالم ذر اگر چه کوتاه به نظر می رسد اما برای ما روشن نیست که یک روز، یک هفته، یک

ماه، یک سال، و بلکه بیشتر یا کمتر بوده باشد.

عده ای برآنند که خدای تعالی انسان ها را آفرید و پس آفرینش به سرعت از آنها پیمان گرفت و به عالم و عمر انسان ها پایان داد.

در آیاتی از قرآن درباره عالم ذر آمده است. مثلا در سوره (یونس 74): «به چیزی که از پیش آن را تکذیب کرده بودند ایمان نیاوردند. « در این آیه خداوند فرستادگان خود را به سوی خلق فرستاد در حالی که در پشت مردان و رحم زنان بودند پس کی در آن هنگام تصدیق کردند. پس از آن هم تصدیق نمود و کسی که در آن هنگام تکذیب کرد بعد آن را هم تکذیب نمود.

سوره (تغابن 2): او کسی است که شما را آفرید، گروهی از شما کافر و گروهی مومنیند. خداوند کفر و ایمان آنها را به ولایت ما شناخت، روزی که در صلب آدم از آنها پیمان گرفته شد در حالی که ریز بودند.

سوره (حج 5): ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، ما شما را از خاک آفریدیم، آنگاه از نطفه و پس از خون بسته شده و پس از آن مضغه که برخی دارای خلقت و شکل است و برخی این گونه نیست.

سلام بن شیز گوید: از امام باقر درباره مخلقه و غیر مخلقه سؤال کردم و ایشان فرمود: مخلقه همان ذرات ریز هستند که خداوند آنها را در صلب آدم آفرید و از آنها پیمان گرفت اما غیر مخلقه دور جنبنده ای است که وقتی خداوند ذر را آفرید و از آنها پیمان گرفت آنان را در پشت آدم قرار نداد و آنها نطفه هایی هستند که عزل شد یا قبل از آن که روح در آن دمیده شود و حیات و بقا پیدا کند سقط می شوند.

سوره (انعام 158): ایمان آوردن کسی که از قبل ایمان نیاورده است سودی ندارد.

هشام بن حکم می گوید: امام صادق (ع) درباره این سخن خداوند عزوجل فرمود: "من قبل" یعنی در عالم میثاق "و کسبت فی ایمانها خیرا" اقرار به انبیاء و جانشینان آنها به ویژه امیرالمومنین است و ایمان آنها سودی ندارد زیرا آنها سلب می گردد.

عالم تجرد (جبروت)

بر اساس همین حقیقت عالم تجرد و یا علم مجردات و جبروت به جهت نزدیکی و قرب وجودی که به مبداء وجود یعنی وجود محض و کمال محض و بی نهایت دارد، از سعه وجودی برخوردار بوده است. از عدم عالم تجرد نامیده می شود یعنی عالمی که خود آن و موجودات آن و همه از عدم ها و فقدان ها و نقیصه هایی که در عوالم پائین تر از آن و موجودات عوالم پائین تر یعنی در مثال و نظام مادی وجود دارد پاک بوده است و همه این عدم ها را وجودها و فقدان ها را وجدانها و نقیصه ها و کمالات گرفته است.

به طوری که اشاره شد عالم تجرد به جای خود عوالم و یا دارای عوالم است اولین عالم، نزدیک ترین آنها به اسماء الهی است که فاصله و واسطه ای در بین نسبت و مستقیما از اسماء الهی و به تعبیر بهتر از حضرت حق که در مظاهر اسماء تجلی است سرچشمه می گیرد.

و این عالم جلوه گاه قلم و جامع اسماء حق و حضرت حق است. الا اینکه چون مخلوق ممکن است و نمی تواند از حدود مکانی و مخلوقی پاک باشد در عین اینکه جلوه گاه اسماء و کمالات بی نهایت است.

محدود به حدود امکانی و مخلوقی است و حدود و اندازه هایی را که در مادون این عالم است ندارد.

عالم بعدی تجرد که با نظم و حساب خاص یکی پس از دیگری است از جلوات این عالم اول از عوالم تجرد بوده و مترتب بر آن و بر اساس اراده حق نشأت گرفته از آن و یا معلول های آن هستند یعنی عالم دوم و نازلتر از آن می باشد.

از نظر طولی همین ترتیب علی، معلولی، تجلی، جلوه، ظاهر، مظهر، عوالم تجرد و مرتبت با یکدیگر می باشد تا اینکه منتهی بشود به عوالم مثالی در قوس نزولی وجود.

همه عوالم تجرد در مجموع به یک نظر و اعتبار یک عالم و یک واحد است از تجلی (عالم اول تجرد) و جلوه ها طولی آن (عوالم بعدی تجرد) و جلوه های عرضی آن (حقایق و موجودات هر مادی) این عالم واحد نیز جلوه اسماء حسناء الهی است.

عالم یا عوالم مثالی

عوالم مثالی و برخی هم که به یک نظر و اعتبار عالم مثال، و به یک نظر و اعتبار مثالی و برزخی است. جلوات فطهورات نازله عوالم تجرد و مجردات است.

در عوالم مثالی و برزخی حقایق و موجودات عوالم تجرد در حدود و اندازه ها یعنی در مرتبت نازله ای جلوه می کند. عوالم مثالی از عوالم تجرد نشأت گرفته و معلول آنها و قائم به آنها است.

عوالم مثالی ظاهر عوالم تجرد و باطن عوالم تجرد باطن عوالم مثالی است و محیط بر آنها و با آنها واصل و ریشه آنها. فرق عوالم تجرد با عوالم مثالی این است که حقایق و موجودات در عوالم تجرد به نحو کلیت و ارسال و مجرد از ماده و آثار و لوازم آن مجرد از حدود و اندازه ها و مقدار وجود داشته ولی در عوالم مثالی همین حقایق مجرد موجود در عوالم تجرد. در حدود و اندازه ها و با مقادیر و اشکال و در کسوت قالب ها و در عین حال مجرد از ماده و آثار انفعالی ماده و در حقیقت در مرتبه نازله ای جلوه می کند. بنابراین، عالم مثال در مجموع، صورت نازله عالم تجرد و معلول آن و ظهور محدود آن در مقادیر و اشکال است و مجرد از ماده و آثار انفعالی می باشد.

عالم ماده و مادیات (ناسوت)

و اما حقایق عالم ماده عبارت است از ظهورات و تابش نازله و محدود در حقایق مثالی که در ماده جلوه می کند و در حقیقت، حقایق مادی از حقایق و موجودات بالاتر مثالی نشأت گرفته و معلول آنها و قائم به آنها است و حقایق مثالی علت حقایق مادی و اصل و با آنها و محیط بر آنها و باطن آنهاست، به نحوی که اگر حقایق مثالی و عالم مثال نباشد. حقایق تابشی در ماده هم نخواهد بود. به طوری که اگر حقایق مجرد و عالم تجرد هم نباشد عالم مثال و حقایق مثالی نخواهد بود و در نهایت همه عوالم، قائم به مبدء متعال بوده و از او نشأت می گیرند.

با این تحصیل متوجه می شویم که وجود و هستی از مبدء متعال سرچشمه گرفته و در قوس نزولی تنزیل یافته و به عالم ماده و مادیات می رسد و هر اندازه که در قوس نزولی پائین تر بیاید ضعیف تر و محدودتر می گردد تا جایی که به عالم ماده برسد که از حدود و اندازه بیشتری و از عدم ها و نیستی ها و فقدان های زیاده تر برخوردار می گردد.